

حفظ توافق هسته ای ایران، مستلزم متوازن ساختن آن است

تقویت توافق هسته ای به جهت اجرای تعهدات

که امکان پشت کردن به آن توسط طرف ها را به حداقل برساند. برکسی پوشیده نیست که مکانیزم های اجرای برجام و مجموع هزینه ها و منافع، دچار انحراف شده- اند، اما نکته ای که مغفول مانده، این است که عدم توازن ذاتی این توافق به منافع آمریکا و هدف عدم اشاعه سلاح هسته ای آسیب می زند. برجسته ترین انعکاس این عدم توازن، ناتوانی توافق در تثبیت یک بازدارندگی سیاسی و حقوقی میان ایران و ایالات متحده نسبت به نقض یا خروج کامل از آن است. در مقابل، با تهدید به برگرداندن تحریم های چندجانبه و یک جانبه و ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت سازمان ملل در صورت نقض یا خروج از توافق توسط ایران، برجام، نوعی بازدارندگی یک سویه علیه این کشور ایجاد کرد.

از پایداری اش اطمینان حاصل کنیم، بسیار چالش برانگیز خواهد بود. چند سال پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، اعمال فشارهای حداکثری علیه ایران و اینکه تهران با سرعت بخشیدن و توسعه برنامه هسته ای خود، به این اقدام واکنش نشان داد، سیاست گذاران در واشنگتن و تهران، باید اطمینان حاصل کنند که وقتی توافق احیاء می شود، برای همه طرف ها و در تمامی مدّت آن، لازم الاجرا باشد. درحالی که برخی از سیاست مداران، خواستار تشدید فشار اقتصادی و تهدید نظامی علیه ایران هستند تا بدین وسیله این کشور را به همسو شدن با اهداف آمریکا وادار کنند، ثابت شده که چنین رویکردهایی، نتایجی خلاف انتظار به همراه داشته است و به شکلی خطرآفرین، اوضاع را بدتر می کنند. در عوض، بهترین راه حل تقویت برجام به شکلی است

تاکید بر حفظ برجام و اجرای مفاد آن به شکل سابق، قطعاً عدم توازن به همراه خواهد داشت. چرا که به وضوح مشخص است که دوباره چالش برانگیز خواهد بود و این احتمال وجود دارد که غربی ها به تعهداتشان عمل نکنند؛ بنابراین تأکید و تقویت توافق هسته ای، مستلزم متوازن ساختن آن است که همه طرف ها و در تمامی دوران لازم الاجرا باشد. از این رو در این یادداشت به موضوع پیش رو خواهیم پرداخت.

به جای تأکید بر اینکه برجام، دقیقاً به همان شکل سابق احیاء و براساس مفاد مکتوبش اجرا شود، طرف های توافق باید به دنبال اصلاح عدم توازن توافق، نسبت به مکانیزم های اجرایی و استفاده از منافع اقتصادی آن باشند. واضح است که احیای برجام یا همان توافق هسته ای ایران، بدون اینکه

برخلاف ایران، آمریکا و سایر طرف های برجام، با هیچ مانع سیاسی و حقوقی برای ترک توافق یا عدم پایبندی به آن مواجه نشدند. بدین لحاظ، تنها عامل بازدارنده علیه نقض توافق توسط ایالات متحده و بقیه اعضا، اقدامات یک جانبه هسته ای ایران، خارج از چارچوب برجام است که باعث می شود، طرف ها برای عدم پایبندی، بهای بیشتری بپردازند. به هر حال، نابرابری عظیم قدرت میان ایران و آمریکا و تردیدها در مورد توانایی سیاسی و فنی تهران برای توسل به چنین اقداماتی، فضا را برای اشتباه محاسباتی، مهیا ساخته و بازدارندگی یک جانبه ایران را تضعیف می کند. این شرایط، ترکیب شده است با آنچه من، عدم تقارن در امکان نقض تعهدات می نامم یا با آسودگی و سرعت نسبی واشنگتن برای بازگرداندن تحریم ها علیه فرآیند مشقت بار و طولانی که تهران باید برای بازسازی تأسیسات هسته ای ازکارافتاده خود طی کند. واضح است که وضعیت فوق در طولانی مدت، به نفع هیچ یک از طرف های برجام نیست، همچنان که تحولات سال های گذشته نیز به این مسئله گواهی می دهند. مقامات دولت بایدن، بارها خروج ترامپ را به عنوان یک اشتباه راهبردی و یکی از بدترین تصمیمات سیاست خارجی واشنگتن در طول دهه گذشته، محکوم و تقبیح کرده اند. جامعه بین المللی نیز که زمانی میلی

به برجام نشان نمی داد، اکنون، عمدتاً قانع شده که بازسازی توافق و پایبندی مجدد به آن از سوی همه طرف ها، بهترین گزینه برای صلح و امنیت منطقه ای است. امروزه، در حالی که اعضای پیشین و کنونی دولت اسرائیل، همچنان برجام را توافقی خطرناک می دانند که راه ایران برای دستیابی به بمب اتمی را هموار می سازد، بسیاری از مقامات ارشد امنیتی سابق و کنونی آن، تصدیق می کنند که خروج آمریکا از برجام، اشتباهی مهلک بوده که امنیت اسرائیل را به مخاطره انداخته است. از این رو، آن ها از تلاش دولت بایدن برای بازگشت به برجام حمایت کرده اند. رهایی از این تنگنا و به حداقل رساندن احتمال فروپاشی مجدد برجام، مستلزم این است که نوعی بازدارندگی متقابل حقوقی و سیاسی در آن گنجانده شود. هر فرآیند قانونی و سیاسی که نقض و خروج از توافق را هزینه برودشوار می سازد، می تواند به این هدف کمک کند. یکی از این مکانیزم ها، اضافه کردن بازیگران داخلی یا بین المللی بیشتر با حق وتو است تا بدین وسیله تصمیم برای خروج از توافق عملیاتی گردد. این کار، می تواند در قالب بازبینی موشکافانه برجام و الزام برای کسب اجازه شورای امنیت سازمان ملل یا پارلمان ملی کشور مربوطه، برای تکمیل درخواست خروج انجام شود. در حالی که این مکانیزم ها،

می توانند با ایجاد موانع حقوقی و سیاسی در برابر کنار گذاشتن توافق، موجب پایبندی طرف ها به تعهدات برجامی خود شوند، تدوین یک برنامه بین المللی برای پرداخت خسارت به طرف هایی که به دلیل خروج یکی از اعضا، دچار زیان اقتصادی شده اند، می تواند بهای نقض توافق را سنگین تر کند و منافع پشت کردن به آن را کاهش دهد. حال، فرض کنیم که هیچ کدام از این مکانیزم ها، نتوانند یک بازدارندگی بدون شکست در برابر خروج آینده آمریکا از برجام را فراهم سازند، اما ترکیبی از این فرآیندهای حقوقی و سیاسی، تدوین طرح جبران کننده زیان اقتصادی و همچنین، تهدید جدی پیشرفت هسته ای ایران، امکان وقوع این سناریو را به حداقل می رساند. در حالی که فقدان بازدارندگی حقوقی و سیاسی متقابل عملی، همچنان بزرگ ترین تهدید برای احیا و پایداری برجام است، سایر مسائلی که منافع واقعی اقتصادی توافق برای طرف ها را کاهش می دهند نیز با تضعیف حمایت مردم و مسئولان رده بالا، از آن چالشی مشابه ایجاد می کنند. سابقه اجرای برجام در طول سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، نشان می دهد که به دلیل محدودیت های ماندگاری که آمریکا بر معاملات دلاری ایران وضع کرده و همچنین، ریسکی که بانک ها و شرکت های خارجی باید برای عبور از میدان پرخطر حقوقی



مهم، به احتمال زیاد راه را برای یک ایران با توانایی به مراتب پیشرفته تر و آزادانه تر هسته ای، هموار می سازد که در وضعیت آستانه هسته-ای نیز قرار دارد یا منجر به وقوع یک نزاع نظامی فاجعه بار با این کشور خواهد شد که ممکن است، تمام خاورمیانه و فراتر از آن را درگیر کند.^۱

ارزشمند بوده و کارکرد سیاسی برای راضی ساختن گروه های ذی نفع داخلی و تحقق اهداف نمادین و گویا دارند. البته این ضرورت ها، باید با هدف به مراتب مهم تر عدم اشاعه سلاح هسته ای، در قبال ایران، سنجیده و قیاس شود. هر تحریم جدیدی که منافع اقتصادی توافق را از بین ببرد، خطر تضعیف حمایت از برجام در داخل ایران را به همراه دارد و در نتیجه، به هدف بزرگ تر عدم اشاعه سلاح هسته ای آسیب می زند.

در مجموع، طرف های توافق به جای تأکید بر اینکه برجام، دقیقاً به همان شکل اصلی بازسازی و مطابق متن موجود اجرا شود، باید به دنبال جبران عدم توازن آن نسبت به مکانیزم های اجرایی و فراهم ساختن منافع اقتصادی باشند. نپرداختن به این نواقص

تحریم های باقیمانده به جان بخزند، دسترسی کامل ایران به نظام مالی بین المللی تحقق نیافته است. به کار بستن این محدودیت ها، ناقض متن برجام نبود اما در تضاد با روح توافق قرار داشت که به ایران، اجازه می داد تا در ازای ارائه تضمین های عینی مبنی بر اینکه برنامه هسته ای کشور هرگز به سمت اهداف نظامی نخواهد رفت، آزادانه در تجارت بین المللی مشارکت کند. همچنین، وضع تحریم های جدید علیه ایران برای اهداف غیرهسته ای در برجام، منع نشده است، البته مادامی که آن ها آثار لغو تحریم های مرتبط با صنعت هسته ای را خنثی نکنند. با توجه به وجود سایر مسائل اختلافی میان تهران و واشنگتن، قابل درک است که دولت آمریکا، نخواهد تا سلاح تحریم ها علیه ایران را کنار بگذارد زیرا آن ها اهرم فشاری

۱. منبع:

<https://www.belfercenter.org/publication/saving-iran-nuclear-deal-requires-balancing-it>